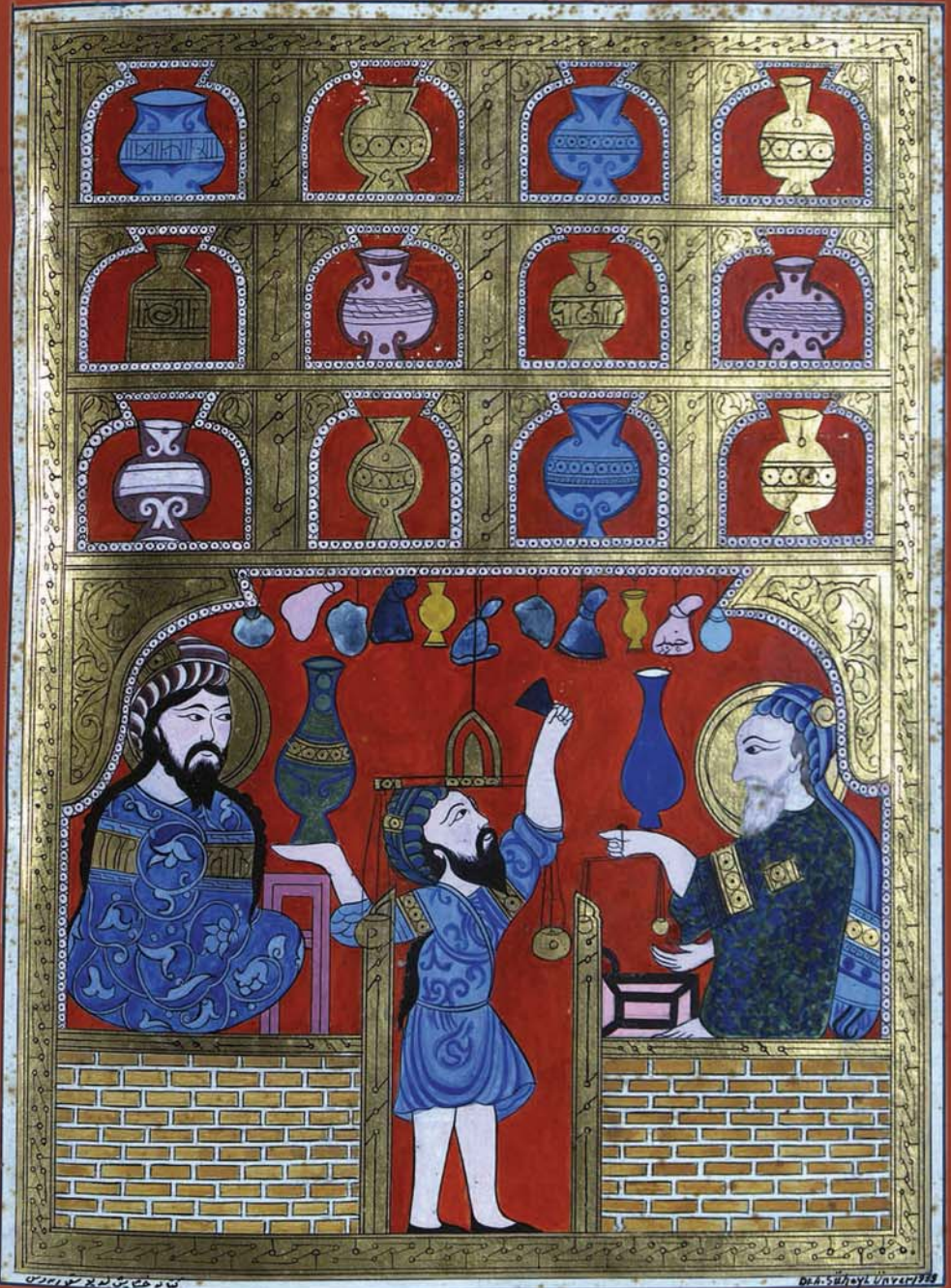


فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم، بهار - تابستان ۱۳۹۷ | انتشار بهار ۱۳۹۹

سرخس، میراث مکتوب و نقش آن • درباره برخی تغییرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدی نهنش • کتاب‌المصادر ابوغلی تیرانی / علی‌ابراهیم صادقی • فرمان جهان‌شاه قراقوبولو در منع عزاداری محرم (بمناسبت ۱۳۶۵ق) / عبداللین شیخ‌المکملی • نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / تاب شیرازی • مکر الهی / مصدقین کویا • تسخانی تازیانیت از ارشاد قلاتسی در لندن / ماری پوناشی • دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حرفی آن / سمیرا قلیسی • «بِسْکُو» یا «بِسْکُو»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد معتمدی حکم • سیمسار پرتاب‌بده / مریم بیروسی / رباعی خیم در ریاض هندوشاه نخبجویی / سید علی برافلسی • کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل چالویر در تبریز و بغداد / علی صفوی آق‌نهنه • معنوی و ارزشی مقلداتی هفت نسخه‌شاهنامه، مقدم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شایبوان • درباره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر رفغان • بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی • اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / حسن شریفی ضعی • درباره تصحیح جامع‌اللغات نیازی / امین خدیووست • ادبیات فارسی بیرون از ایران (سیف‌آه هند، آملی، آسیای میانه، و در فارسی بیودی) / مصدقین کویا • القانون فی الطب (کتاب‌الاول فی الامور الکتابیه من علم الطب) / سید نصیرزاده نگاهی به تصحیح خلاص‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرضی موسوی • مدخل حساسه ملکی ایران / فاطمه حتمیان • ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۴) / سید احمدرضا قلم‌نمائی • آثار راشد محمد افندی / ملاحظاتی در باب نقد کتاب ازل القانون فی الطب / بهجت‌علی حسینی • پاسخ به نقد دیوان منوچهری / سید شیری



فهرست

سر سخن

میراث مکتوب و نقش آن..... ۵-۳

جستار

در باره برخی تعبیرات در دیوان ناصر خسرو / احمد مهدوی دامغانی..... ۷-۶

کتاب المصادر ابوعلی تیزانی / علی‌اشرف صادقی..... ۸

فرمان جهان‌شاه قراقویونلو در منع عزاداری محرم (به تاریخ ۸۶۵ق) / عمادالدین شیخ‌الحکامی..... ۱۲-۹

نمونه کاربرد چاپ سنگی در فرمان‌نویسی / نایب شیرازی..... ۱۵-۱۳

مکر الهی / مجدالدین کیوانی..... ۲۷-۱۶

نسخه‌ای تازه یافت از ارشاد قلانسی در لندن / عارف نوشاهی..... ۳۱-۲۸

دست‌نویس کهن قابوس‌نامه و چاپ حروفی آن / مسعود قاسمی..... ۴۶-۳۲

«بسکو» یا «بسکر»؟ جای‌نامی در تاریخ سیستان / جواد محمّدی خمک..... ۴۹-۴۷

سپه‌سار برن‌تابد پیه / مریم میرشمسی..... ۵۲-۵۰

رباعی خیتام در بیاض هندوشاه نخجوانی / سیدعلی میرافضلی..... ۵۴-۵۳

کهن‌ترین نمونه‌های شناخته‌شده از نستعلیق تبریزی تا سال ۸۰۰ق و ارتباط آن با دستگاه آل‌جلایر در

تبریز و بغداد / علی صفری آق‌قلعه..... ۸۵-۵۵

معرفی و ارزیابی مقدّماتی هفت نسخه شاهنامه مقدّم بر نیمه دوم سده هشتم / علی شاپوران..... ۱۰۰-۸۶

در باره دشوارترین بیت شاهنامه / امیر ارغوان..... ۱۱۲-۱۰۱

بخش‌هایی از انیس‌الوحده در جنگی متعلّق به اوایل سده نهم / علی رحیمی واریانی..... ۱۱۵-۱۱۳

اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / محسن شریفی صحنی..... ۱۲۰-۱۱۶

نقد و بررسی

در باره تصحیح جامع اللغات نیازی / امین حق پرست..... ۱۲۵-۱۲۱

ادبیات فارسی بیرون از ایران (شبه‌فازة هند، آناتولی، آسیای میانه، و در فارسی یهودی) / مجدالدین کیوانی..... ۱۳۷-۱۲۶

القانون فی الطب (الكتاب الأول، فی الأمور الكلية من علم الطب) / سعید فتحعلی‌زاده..... ۱۵۴-۱۳۸

نگاهی به تصحیح خلاصه‌الاشعار و زبدة الافکار (بخش تبریز و آذربایجان و نواحی آن) / مرتضی موسوی..... ۱۶۳-۱۵۵

مدخل حماسه ملی ایران / فاطمه حمصیان..... ۱۶۷-۱۶۴

پژوهش‌های دبستان

ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۴) / سیداحمدرضا قائم‌مقامی..... ۱۷۴-۱۶۸

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار راشد محمّد افندی / نصرالله صالحی..... ۱۷۷-۱۷۵

دبارة نوشتاری پیشین

ملاحظات در باب نقد کتاب اول القانون فی الطب / نجفقلی حبیبی..... ۱۹۰-۱۷۸

پاسخی به نقد دیوان منوچهری / سعید شیری..... ۱۹۹-۱۹۱

۸۲ - ۸۳

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح

متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره یکم و دوم

بهار - تابستان ۱۳۹۷ [انتشار: بهار ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و

ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: نگاره آغاز کتاب الحشایش دیوسقوریدس

در مجموعه پزشکی ۳۷۰۳، کتابخانه ایاصوفیا، مورخ

۶۲۱ق، به نسخ خوش عبدالله بن الفضل سبط الاعز.

در این نگاره یک دکان دارو فروشی دیده می‌شود. بر روی

یکی از اشیاء آویخته از بالای دکان، نام «جنید» نوشته

شده که به‌ظاهر نام نگارگر این نسخه است.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

اشعار نو یافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

محسن شریفی صحیحی

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد
mohsen.sharif66@yahoo.com

ناشناخته بودن برخی نسخه‌ها و متون در زمان تصحیح متون یاد شده رخ داده است.

از دیگر متونی که در دسترس محجوب نبوده و اتفاقاً حاوی اشعاری جدید از عبید زاکانی است، مجموعه لطایف و سفینه ظرایف از سیف جام هروی - تحریر در قرن هشتم و اوایل قرن نهم - است (تصویر دست‌نویسی از آن که در کتابخانه بریتانیا با شماره OF. 4110 محفوظ است در دسترس نگارنده است و تحقیق حاضر بر بنیاد آن نگاشته شده است). اما این تصور که مجموعه لطایف در دوران تصحیح دیوان عبید بر اساتید ادبیات و مصححان دو این دیگر مخفی بوده ابتدا صحیح نیست و از چند دهه پیش از آن، در برخی متون تصحیح شده از این سفینه بهره برده شده است.

از جمله سعید نفیسی این سفینه را می‌شناخته و در رد انتساب شعری به رودکی - که علی‌رغم تذکر نفیسی مبنی بر تعلق شعر به شخصی رشید نام، در مجموعه‌های شعری رودکی وارد شده است -، چند دهه قبل از تصحیح دیوان عبید، به مجموعه لطایف استناد جسته است (نفیسی، ۱۳۴۱: ۴۶۷؛ نیز رک. شریفی صحیحی، ۱۳۹۵: ۲۴۵). نذیر احمد نیز در سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۶۶ م آن را در مقالات متعددی معرفی کرده («شعرای بزرگ گمنام مثل جمال‌الدین استاجی، الیاس هروی، حمید قلندر و غیره را معرفی نموده و آثار گران‌بهای آنها را» از این سفینه استخراج کرده است (عابدی، ۱۳۷۷: ۴۹). محققان دیگری، چون امیرحسین عابدی، نیز با بررسی این مجموعه به اشعار شاعران دیگر چون سعدی پرداخته‌اند (همان: ۴۸).

اشعار عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

با اینکه برخی محققان هندی و پاکستانی اشعار شاعران بسیاری را از این مجموعه استخراج کرده و با عنوان اشعار باز یافته یا تصحیح اشعار، به چاپ رسانیده‌اند، اما هیچ یک به اشعار عبید در این مجموعه نپرداخته‌اند و با این گمان که تمام این اشعار در دیوان عبید زاکانی وجود دارد، به بررسی و ارزیابی آن علاقه‌ای نشان نداده‌اند. برای مثال نذیر احمد اشعار حافظ را از این مجموعه بیرون آورده و در قالب کتابی چاپ کرده است. اشعار حافظ، در این مجموعه، با اشعار عبید زاکانی پیایی آمده است؛ از این رو محال است که نذیر احمد اشعار منسوب به عبید را ندیده باشد، بلکه به نظر می‌رسد به ظن وجود

یکی از حسرت‌های بزرگ هر مصححی دست نیافتن به نسخه است که می‌شناسد و هویت آنها بر او آشکار است، اما بنا به عللی دسترسی به آنها برایش مقدور نیست. چنانکه نسخه المعجم اشعاری از عبید در خود جای داده و محمدجعفر محجوب در مقدمه دیوان عبید زاکانی مصحح خود، از فقدان این نسخه - در آن زمان - افسوس خورده و متذکر شده که تلاش وی و پیشتر از وی، مجتبی مینوی، برای یافتن نسخه مورد نظر بی نتیجه بوده است (زاکانی، ۱۹۹۹م: Xci، مقدمه).

مجموعه‌ای که این نسخه از المعجم بخشی از آن است، به سبب بی‌دقتی در فهرست‌نویسی، سال‌ها از دیدگان محققان پنهان مانده بود (رک. بشری، ۱۳۸۹: ۳۹). این مجموعه، طبق حدس درست محجوب، فقط قسمتی کوتاه از اشعار عبید را داراست و تعدادی از غزلیات، قطعات، رباعیات و برخی هزلیات عبید در آن آمده است (برگ‌های ۱۳۱ تا ۱۴۲). بر اساس بررسی نگارنده، هیچ نکته تازه‌ای، در قیاس با متن مصحح محجوب، در این مجموعه یافت نمی‌شود و ضبط اشعار این نسخه، اغلب صحت متن چاپی محجوب را تأیید می‌کند.

همچنین بسیار پیش آمده که بعد از چاپ متن تصحیح شده، نسخه‌ای به مصحح، یا پس از مرگ وی به مخاطبان کار او، رخ نشان دهد که متن مصحح را به چالش بکشد یا آن را یکسره بی اعتبار سازد. این اتفاق که برای بسیاری از متون تصحیح شده در دهه‌های پیشین رخ داده، گاه معلول بی‌دقتی مصححان بوده - که عموماً به متون جنبی توجهی نداشته‌اند - و گاه به سبب

لطایف آمده جدید است و در دیوان‌های چاپی عیب جای
ندارد عجیب به نظر می‌رسد و در بادی امر، ظن تعلق این اشعار
به شاعری غیر از عیب زاکانی را ایجاد می‌کند. جالب اینکه در
قرن هشتم و هم‌زمان با شاعر قزوینی، عیب دیگری نیز می‌زیسته
و شعر می‌گفته است. اما آیا قرائنی وجود دارد که این اشعار را
به این عیب دیگر (نه عیب زاکانی) منسوب کنیم؟

در کتب تاریخی مربوط به تاریخ سلاطین هند، از شاعری
به نام عیب سخن به میان آمده که فتنه‌انگیزی و خبث طینت‌وی
باعث شد که او را به قتل برسانند. ضیاء برنی در تاریخ
فیروزشاهی - که در نیمه قرن هشتم نگاهشده شده است - «عیب
حکیم» را در شمار شاعران عصر علانی ذکر کرده است:

... مولانا عارف و عیب حکیم و شهاب انصاری و صدر
بستی که از شعرای عصر علانی بودند و از دیوان عرض
مواجه شاعری می‌یافتند. (ضیاء برنی، ۱۸۶۲م: ۳۶۰؛ به نقل از
نذیر احمد، ۱۳۹۰: ۷۳)

همچنین مؤلف تاریخ مبارک‌شاهی (۸۳۸ق) نوشته است:

این عیب شاعر از ملازمان و خدمتکاران شیخ الاسلام شیخ
نظام الحق و الشریع و الدین بود و با امیر خسرو دایماً عکس
می‌کردی؛ به سبب آن، خاطر عاطر شیخ المشایخ متردد می‌شد.
(سرهندي، ۱۳۸۲: ۹۵؛ نیز رک. نذیر احمد، ۱۳۹۰: ۷۷)

در تاریخ فرشته آمده است:

این عیب نه عیب شاعر مشهور است، نهایتش این نیز هزل و
شاعر بی‌باک و زاکانی بوده. (هند و شاه استرآبادی، ۱۳۸۷: ۴۴۸/۱)

در منتخب‌التواریخ بداؤنی نیز به فتنه‌انگیزی و عاقبت عیب
اشاره شده است:

در سنه احدی و عشرین و سبعمائة (۷۲۱) [سلطان تغلق شاه]
الغ خان را با عساکر چندیری و بداؤن و اقطاع دیگر از شرق
رویه هند به جانب دیوگیر و تلنگ نامزد فرمود... در این اثنا،
عیب شاعر مفتن معارض میر خسرو - علیه الرحمه - که این
بیت از آن بدبخت شهرت دارد. بیت:

غلط افتاد خسرو راز خامی

که سکا پخت در دیگ نظامی

و میر در اکثر تصانیف از دست او و سعد فلسفی شکایت‌ها
کرده و شیخ‌زاده دمشقی به تقریب دیر رسیدن داک چوکی از
دهلی به دروغ‌آوازه در انداختند که سلطان تغلق نماند و فتوری
عظیم در اهل اسلام رفت و عیب‌امرا را از الغ خان ترسانید و

این غزل‌ها در دیوان چاپی عیب بدانها نپرداخته است.
مجموعه لطایف و سفینه ظرایف در اواخر سده هشتم و
اوایل سده نهم، در زمانی نزدیک به دوران حیات عیب زاکانی
گردآوری شده است (درباره این مجموعه نک. نوشاهی، ۱۳۷۸) و در
تصحیح و جمع‌آوری اشعار او اهمیت بسیاری دارد. سیف
جام هروی، اشعار زیر را به نام عیب زاکانی ثبت کرده که در
دیوان چاپ محبوب نیز موجود است:

گ ۳۶۴ پ، «مولانا عیب زاکانی راست»، غزل: جفا مکن
که جفا رسم دلربایی نیست... (زاکانی، ۱۹۹۹م: ۸۰).

گ ۳۶۵ ر، «عیب زاکانی راست»، غزل: دگر برون شدنم
زین دیار ممکن نیست... (همان: ۷۹).

گ ۳۷۰ ر، «عیب زاکانی فرماید»، غزل: با ما نکرد آن بت
سرکش صفا هنوز... (همان: ۱۰۶).

گ ۶۶ ر، «خواجه عیب رایکانی [کذا] فرماید رحمة الله
علیه»، قصیده: صبحدم کز حد خاور خسرو نیلی حصار...
(همان: ۳۳).

به دنبال قصیده پیشین، «وله»، قصیده: ترکم چو قصد خون
دل عاشقان کند... (همان: ۲۶).

به دنبال قصیده پیشین، «وله»، قصیده: باز به صحرا رسید
کوکبه نوبهار... (همان: ۳۰).

به دنبال قصیده پیشین، بدون عنوان، قصیده: چو صبح
رایت خورشید آشکار کند... (همان: ۲۳؛ مجموعه لطایف یک
بیت بر دیوان چاپی افزون دارد).

گ ۱۴۸ پ، «خواجه عیب زاکانی فرماید»، ترجیع بند: وقت
آن شد که کار در یابیم... (همان: ۶۰).

اشعار یادشده همگی با تصریح به نام عیب زاکانی آمده و در
دیوان وی نیز به ثبت رسیده است؛ اما آنچه بی‌عنوان (به سبب
افتادگی صفحات) و یا زیر عنوان «خواجه عیب» آمده در دیوان
موجود نیست. این اشعار، از صفحه ۲۷۱ پ تا ۲۷۴ پ در
نسخه بریتانیا بدون عنوان است و تمامی ۲۱ غزل - که یکی از
این ۲۱ غزل در برگ ۳۰۲ ر زیر عنوان «خواجه عیب فرماید»
آمده - با تخلص عیب به ثبت رسیده است. احتمالاً آغاز این
غزل‌ها و برگ پیش از ۲۷۱ پ که پس از اشعار حافظ و صالی
شده، افتاده و نام شاعر از بین رفته است.

اینکه ۲۱ غزل و ۲ قصیده منسوب به عیب که در مجموعه

کفار برآمده بسیاری را از لشکر مردم به قتل رسانیدند... و عبید شاعر نیز همچنان منکوب به دست آمد و این جماعت را با خیل و تبار زیر پای فیل انداختند. (بداونی، ۱۳۷۹: ۱۵۳/۱-۱۵۴)

به دلالت خیام پور در فرهنگ سخنوران (خیام پور، ۱۳۷۲: ۶۲۴/۲) می دانیم که صاحب طبقات اکبری نیز از شخصی به نام «عبید دهلوی» نام برده است. نظام الدین احمد هروی، هنگام ذکر اسامی شاعران برجسته عهد سلطان علاء الدین خلجی، بعد از ذکر نام امیر خسرو دهلوی و حسن دهلوی، مانند آنچه ضیاء برنی در تاریخ فیروزشاهی گفته، از «عبید حکیم» یاد کرده که از پادشاه موجب می گرفته است (هروی، ۱۸۷۰: ۱۸۵). می دانیم که عبید زاکانی هرگز لقب حکیم نداشته و یکی از وجوه تمایز بین دو شاعر همین لقب حکیم است که برای شاعر دهلوی کاربرد داشته است.

نذیر احمد نیز در مقاله «شعرای گمنام عصر خلجی و تغلق» ضمن بررسی احوال عبید اخیر در کتب تاریخی، به ذکر بیتی از وی از قول محمد بن قوام رستم - صاحب شرح مخزن الاسرار (تألیف ۷۹۵ق) - پرداخته است:

بگردان روی از این آینه‌ها تا مرد خواندند
که زن چون آینه بیند کند عزم خود آرایی
(نذیر احمد، ۱۳۹۰: ۷۳)

با توجه به مرور منابع دست اولی که از عبید مذکور نامی به میان آورده‌اند، بیشتر به نظر می‌رسد که از وی شعری جز همان دو بیت باقی نمانده است و ماندن اولی نیز به سبب نقار و کدورتی است که بین او و امیر خسرو دهلوی وجود داشته است. از این رو هیچ سندی و شعری از وی وجود ندارد که بتوان با اشعار مورد نظر در مجموعه لطایف مقایسه کرد و آن اشعار را به این عبید منتسب نمود؛ هر چند به نظر می‌رسد که نظیر احمد، با استناد به همان دو بیت، طرز شاعری وی را از سبک عبید زاکانی جدا دانسته است (همان: ۷۶).

با توجه بدانچه گفته شد، درباره تعلق این اشعار به عبید اخیر الذکر استدلالی نمی‌توان کرد؛ از این رو، با استناد به دلایلی که در پی خواهد آمد، سعی می‌کنیم صحت انتساب این اشعار به عبید زاکانی را اثبات کنیم. پیش از بحث در این باره، به معرفی این اشعار که در قالب غزل و قصیده است، خواهیم پرداخت. مطلع اشعار جدید و تعداد ابیات هر شعر به شرح

زیر است (سیف جام هروی، مجموعه لطایف: ۲۷۱-۲۷۴پ):

غزل‌های نویافته

۱. (۶بیت) چون دهانش نیست این گفتار چیست
چون میانش نیست این رفتار چیست
۲. (۶بیت) ای کاش که با عشق تو مرا کار نبودی (کذا)
تا دیده و دل هر دو گرفتار نبودی
۳. (۶بیت) مگر گفت کسی کردست در گوش
که کردست از من مسکین فراموش
۴. (۷بیت) نه در بالین هم آگوشی نه در غم همدمی دارم
ولیک از دولت عشق تو وقت خورمی دارم
۵. (۷بیت) اگر خواهم تو را سرمست باری
وگر بینم تو را در عیش باری
۶. (۷بیت) دل ز هر عاشق که خواهی می‌دهد
جان به تقدیر الهی می‌دهد
۷. (۷بیت) نبیند هیچ وقتی یار ما را
نپرسد انسک و بسیار ما را
۸. (۷بیت) نخوانی بر خودم از بی وفایی
وگر خواندن فرستم هم نیایی
۹. (۹بیت) از چرخ دور خوشدلی بگذشت خاص و عام را
اینک درآمد دور غم ساقی بگردان جام را
۱۰. (۶بیت) ز آن لب که قصد خون دل جام می‌کند
ما را هوس شنیدن دشنام می‌کند
۱۱. (۶بیت) رفیقان ز شهر شما می‌رویم
ز عشق شما مبتلا می‌رویم
۱۲. (۶بیت) نی نامه فرستی نه ز تو هیچکس آید
وہ کی بود از قافله بانگ جرس آید
۱۳. (۷بیت) دردی است مراد دل خواهم که نهان دارم
وہ چه توان گفتن چشمی که روان دارم
۱۴. (۷بیت) دردی است مراد دل گفتن نتواند کس
عشقی است مرا در سر با تو نرساند کس
۱۵. (۷بیت) آن مه شب گرد من یارب چه موزون می‌رود
من در آن حیران که او آشوب جان چون می‌رود

(ص ۸۵) همچو زلف تو پریشان شده سرگشته عیب

(ص ۸۷) عیب بی‌نوا دین تو دارد

(ص ۹۳) ناله مسکین عیب است آن که ضایع می‌شود

(ص ۱۰۰) مسکین عیب را غم عشقش بکشت از آنک

(ص ۱۰۱) غم عشقش ز دل خسته بیچاره عیب

(ص ۱۰۶) از سر لطف دل خسته بیچاره عیب

(ص ۱۰۶) مسکین عیب در غم عشقش ز جان و دل

(ص ۱۰۸) دارد عیب مسکین دایم هوای عشقت

(ص ۱۲۰) به وصلش گر عیب بی‌نوا را

همچنین از ۲۱ غزل منسوب به عیب در مجموعه لطایف، ۱۷ غزل مردّف است، یعنی حدود ۸۱٪، که نشان از علاقه شاعر به التزام ردیف دارد. جالب آنکه از ۱۴۰ غزل ثبت شده در تصحیح محبوب نیز ۱۱۴ غزل، یعنی حدود ۸۱٪، مردّف است. به گمان نگارنده، با توجه به این دلایل، تا زمانی که دلیلی برای انتساب این اشعار به عیب دیگری یافته نشود، می‌توان عیب زاکانی را شاعر ۲۱ غزل مورد نظر دانست:

۱. تناسب اشعار موجود در مجموعه لطایف و دیوان چاپی عیب از نظر حال و هوا و مضامین مشترک؛
۲. وجود ترکیبات خاص در مقطع اشعار به عنوان یک ویژگی شعری خاص عیب زاکانی؛
۳. مردّف بودن اغلب غزل‌های مجموعه لطایف و اشعار چاپ شده عیب زاکانی.

قصاید نویافته

چنانکه پیشتر گفته شد، علاوه بر غزلیات، دو قصیده نیز در مجموعه لطایف به عیب زاکانی نسبت داده شده که در دیوان چاپی شاعر دیده نمی‌شود:

در برگ ۸۴ پ زیر «عیب فرماید رحمة الله علیه» با ۲۱ بیت:

۲۲. ای کمال سلطنت از فضل یزدان یافته

آنچه از حق خواسته بی هیچ نقصان یافته

در برگ ۸۵ زیر «مولانا عیب رحمة الله علیه فرماید» با ۲۱ بیت:

۲۳. شکر یزدان را که سلطان جملگی عالم گرفت

ملک کیخسرو گشاد و تختگاه جم گرفت

مددوح قصیده علاءالدین نام دارد و محتمل است خواجه

۱۶. (بیت ۷) ای خوش آن روزی که چشم مست اندر گلشنت
وز می صافی شود خون خوردن من روشنت

۱۷. (بیت ۷) کردست صبا بر طرف تو گذر اینک
آورد خبر سوی من بی‌خبر اینک

۱۸. (بیت ۷) زلف بر سیمین عذار خویش نه
سیم آن به کی باشد در گره (کذا)

۱۹. (بیت ۷) دی سوار چابک من مست خواب آلوده بود
غمزه خونریز را خون ریختن فرموده بود

۲۰. (بیت ۴) کیست آن فتنه که دیدم سوی او
وان پریشان زلف در پهلوی او

۲۱. (بیت ۱۰) عمری به راه بادیه باید قدم زدن
تا تکیه مراد توان در حرم زدن

غزل اخیر در برگ ۳۰۲ ر زیر عنوان «خواجه عیب فرماید» آمده است. گفته شد که تمام اشعار بالا همراه با تخلص عیب است و این عیب علی‌الظاهر نمی‌تواند غیر از عیب زاکانی مشهور باشد و حال و هوای اشعار مورد نظر با آنچه در دیوان چاپی عیب آمده است تناسب بسیار دارد. جز این، آنچه انتساب اشعار یاد شده به عیب را محتمل تر می‌سازد، وجود ترکیباتی چون «بیچاره عیب» و «عیب خسته» در مقطع این غزلیات است. در مقطع اشعار شماره ۶ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۹ «بیچاره عیب»، در مقطع شعر شماره ۱۰ «مسکین عیب» و در مقطع اشعار شماره ۱۶ و ۱۸ «عیب خسته» آمده است:

- خاک پایت گشت بیچاره عیب

- بیچاره عیب از تو یک بوسه همی خواهد

- بیچاره عیب از همه دیوانه تر اینک

- بر سر کوبش سری در باخت بیچاره عیب

- مسکین عیب را که چه بدنام می‌کنی

- بی‌گناهی از عیب خسته آزرده مشو

- بر عیب خسته کی گشتی فره؟

این شکل از آوردن تخلص، نه به تنهایی بلکه همراه با صفت، از ویژگی‌های شعر عیب زاکانی است. این همراهی تخلص با صفات خاصی که نشان‌گر بیچارگی عاشق/ شاعر است، در اشعار موجود از عیب در دیوان چاپی نیز مشاهده می‌شود:

علاءالدین محمد باشد که عباس اقبال در مقدمه خود بر دیوان عبید از این خواجه نام برده و گفته عبید کتاب نوادر الامثال خود را به او تقدیم کرده است (زاکانی، ۱۳۴۲: ۲۶). به زعم اقبال، عبید در اشعار خود ذکری از نام خواجه علاءالدین محمد نکرده است، لیکن در بیت پایانی یکی از قطعات دیوان مصحح محبوب (زاکانی، ۱۹۹۹ م: ۱۳۳) چنین آمده است:

خواجه عماد دولت و دین آن که از کفش
هرگز کسی ندید به گیتی سزای قرض

در نسخه بدلی که محبوب برای این بیت ذکر کرده، به جای «خواجه عماد دولت»، «خواجه علاء دولت» آمده است که باید همان خواجه علاءالدین محمد باشد. این امور، یعنی ذکر نام عبید در عنوان قصاید، ذکر تخلص عبید در اولین قصیده و نیز ذکر نام مدوح وی در دو قصیده، انتساب این دو قصیده را به عبید تقویت می‌کند.

حاصل آنکه با بررسی مجموعه لطایف و سفینه طرایف، تعداد ۲۱ غزل و ۲ قصیده - مجموعاً شامل ۱۸۵ بیت - یافته شد که احتمالاً باید به دیوان اشعار عبید زاکانی اضافه شود.

منابع

- بداونی، عبدالقادر (۱۳۷۹). منتخب التواریخ. به تصحیح مولوی احمد علی صاحب. با مقدمه و اضافات توفیق سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بشری، جواد (۱۳۸۹). «پابرجا ۸». آینه پژوهش. ش ۱۲۶ (بهمن و اسفند): ۳۵-۴۹.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۷۲). فرهنگ سخنوران. تهران: طلایه.
- زاکانی، عبید (۱۳۴۲). کلیات دیوان. مقابله با نسخه مصحح عباس اقبال، به اهتمام پرویز اتابکی. تهران: زوار.
- _____ (۱۹۹۹). کلیات دیوان، به اهتمام محمدجعفر محبوب. نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
- سیف جام هروی. مجموعه لطایف و سفینه طرایف. دستنویس شماره 4110 or کتابخانه بریتانیا. کتابت اوایل سده نهم.
- سرهندی، یحیی بن احمد (۱۳۸۲). تاریخ مبارک‌شاهی. به تصحیح محمد هدایت حسین. تهران: اساطیر.
- شریفی صحیحی، محسن (۱۳۹۵). «بررسی برخی مجموعه‌های شعری رودکی و دو بیت تازه منسوب به او». آینه میراث،

- دوره ۱۳، ش ۵۷ (بهار - تابستان): ۲۳۵-۲۵۶.
- ضیاء برنی (۱۸۶۲ م). تاریخ فیروزشاهی. به تصحیح سید احمدخان صاحب. به اهتمام کپتان ولیم ناسولیس و مولوی کبیرالدین احمد. کلکته: بی‌نا.
- عابدی، امیرحسین (۱۳۷۷). گفتارهای پژوهشی در زمینه ادب فارسی. گردآوری سید حسن عباس. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- فرشته، محمدقاسم (۱۳۸۷). تاریخ فرشته از آغاز تا بابر. به تصحیح و تعلیق محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مجموعه ادبی (شامل: المعجم فی معایر اشعار العجم و...). دستنویس شماره ۱۳۳۷۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. مورخ ۱۷۷۵، ۷۸۱، ۷۹۱ و ۷۹۱ ق. به خط عمادالدین عبادالرحمن ابن الفقیه التستری.
- نذیر احمد (۱۳۹۰). قند مکرر پارسی. ترجمه سید حسن عباس. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- نفیسی، سعید (۱۳۴۱). محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی. تهران: ابن سینا.
- نوشاهی، عارف (۱۳۷۸). «مجموعه لطایف و سفینه طرایف منعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی». معارف، ش ۴۶ (فروردین - تیر): ۵۰-۶۵.
- هروی، نظام‌الدین احمد (۱۸۷۰ م). طبقات اکبری. لکهنو: مطبعه نولکشور.

